خط حزب‌الله
نشریه خبری-تبیینی نمازهای جمعه، مساجد و هیئت‌های مذهبی | سال چهارم، شماره ۱۶۹ | هفته دوم بهمن ۹۷ | چاپ و توزیع به همت نیروهای مومن و انقلابی
KHAMENEI.IR
نشریه جامعه مؤمن و انقلابی
صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌ا...العظمی خامنه‌ای)
ارتباط با خط حزب‌ا...
پیامک: ۱۰۰۰۱۰۲۸ | آی گپ: iGap.net/khattehezbollah | گپ: Gap.im/KhatteHezbollah
رایانامه: Khat@khamenei.ir | بله: ble.im/khattehezbollah | سروش: Sapp.ir/KhatteHezbollah

نهج البلاغه

برای کاری که می کنید بر سر مردم منت نگذارید

«ایّاک و المنّ علی رعیتک باحسانک»؛ سر مردم منت نگذارید و بگویید ما این کارها را برای شماها کرده‌ایم. وظیفه بوده، انجام داده‌اید. اگر انجام داده باشید، وظیفه‌تان را انجام داده‌اید؛ منتی سر مردم نگذارید. «او التزیّد فیما کان من فعلک»؛ کارهایی را که انجام داده‌اید، بزرگنمایی نکنید. گاهی انسان کاری را انجام می‌دهد، بعد در ستایش آن کار خیلی مبالغه می‌کند؛ چندین برابرِ آنچه حقیقت کار است. «او ان تعدّهم فتتبع موعدک بخلفک»؛ خلف وعده هم با مردم نکنید. آنچه به مردم وعده می‌دهید، اصرار داشته باشید که آن را انجام دهید؛ یعنی خودتان را گردنگیر آن وعده بدانید. این‌طور نباشد که بگوییم نشد که نشد؛ چه کار کنیم؛ نه، اصرار کنید. ● ۸۴/۷/۱۷

۱) نامه ۵۳ نهج‌البلاغه

جوری باشید که مردم مثل مادر شما را در آغوش بگیرند

باید جوری باشید که مردم مثل مادر شما را در آغوش بگیرند... مملکت‌تان با این ترتیب حفظ خواهد شد. هر روزی برای مملکت مشکل پیدا می‌شود، حلّالش خود مردم [باشند] الآن این مشکلی برای کشور ما پیدا شده، خوب مردم دارند کمک می‌کنند. حلّالش خود این مردم هستند. این پشتیبانی‌های عظیمی که مردم می‌کنند، و آن حضوری که خودشان دارند و خودشان هست. از خودشان می‌دانند همه چیز را. ●

امام خمینی (ره): ۵۹/۹/۱۵

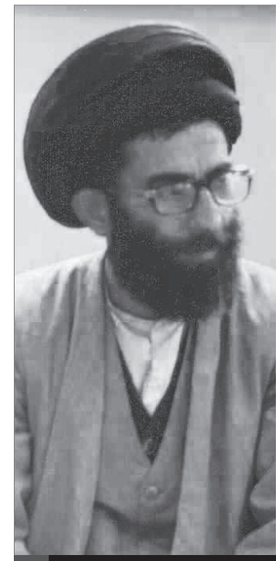

تصویر کمتر دیده شده از آیت‌الله خامنه‌ای در ایام مبارزات در شهر مشهد

اینها افسانه نیست!

در همین خیابان‌های مشهد، کامیون ارتشی راه افتاد و صف مردمی را که در انتظار خرید نفت یا نان بودند، با مسلسل زد. اینها که افسانه نیست. در همین استانداری شهر مشهد، تانک وارد شد. مردم مشهد! مگر نبود؟ جوانان و زنان و مردان! شماها دیدید، ما هم بودیم و دیدیم. تانک داخل استانداری شد، ولی مردم تانک را مثل حلقه‌ی دور نگین انگشتر محاصره کردند. کار به جایی رسید که آن کسی که در تانک بود، بنا کرد به استغاثه کردن! من خودم رفتم و آن افسری را که در تانک بود، از لابلای مردم نجاتش دادم. مردم می‌خواستند او را تکه‌پاره‌اش کنند؛ ولی ما کاری کردیم که توانست فرار کند و برود. مردم با طاغوت روبه‌رو شدند، ایستادند و فداکاری کردند. ● ۷۰/۱/۲۹

تفسیر قرآن

چرا به حضرت زهرا «صدیقه» می گویند؟

ارزش فاطمه‌ی زهرا (س) به عبودیت و بندگی خداست. اگر بندگی خدا در فاطمه‌ی زهرا (س) نبود، او صدیقه‌ی کبری نبود. صدّیق یعنی چه؟ صدّیق کسی است که آنچه را می‌اندیشد و می‌گوید، صادقانه در عمل آن را نشان دهد. هرچه این صدق بیشتر باشد، ارزش انسان بیشتر است؛ می‌شود صدّیق؛ «اولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین»(۱) «صدّیقین» پشت سر «نبیین»اند. این بزرگوار صدیقه کبری است؛ یعنی برترین زن صدیق. این صدیق بودن به بندگی خداست. ● ۸۴/۵/۵

۱) سوره مبارکه النساء آیه ۶۹

خاطرات رهبری

ماجرای تحصن رهبر انقلاب در دانشگاه تهران

فکر تحصن در تهران بی‌ارتباط به تجربه‌ی تحصن در مشهد نبود، یعنی تجربه‌ی موفق تحصن بیمارستان مشهد تشویق کننده بود به این تحصنی که در تهران انجام گرفت. مدتی بحث شد که کجا تحصن انجام بگیرد... یک وقت پیشنهاد دانشگاه هم شد که دیدیم بسیار جالب و از همه جهت این خوب هست لذا بود که حرکت کردند صبح، برادرها صبح زود رفتند دانشگاه... ما رفتیم داخل مسجد و فوراً آن اطاقک سر مسجد را آن جا را ستاد کارها قرار دادیم و بلافاصله یک اعلامیه منتشر کردیم یعنی اولین کاری که کردیم یک اعلامیه نوشتیم گفتیم که این اعلامیه پخش بشود و ما حضورمان در این جا آن وقتی فایده خواهد داشت که زبان و بیان همراهش باشد... اگر سخنرانی‌ها و اعلامیه‌ها نبود مفهوم نمی‌شد که چه کاری انجام گرفته، نه مردم در جریان قرار می‌گرفتند و تبلیغات دستگاه هم می‌توانست شاید آن را جور دیگری جلوه بدهد. لذا بود که چند تا برنامه در دانشگاه بود یکی سخنرانی‌هایی بود که مستمراً در مسجد دانشگاه انجام می‌گرفت که همه‌ی ماها هر کدام یک برنامه‌ی سخنرانی را این جا گذاشتیم و دیگران سخنرانی می‌کردند، یکی اعلامیه‌ها بود، یکی هم یک نشریه، یک بولتن روزانه ما منتشر می‌کردیم، الان درست یادم نیست، دو تا بولتن ما منتشر کردیم یکی در دانشگاه، گمانم اسمش تحصن بود.» ● ۶۳/۱۱/۱۱

مسئله مردم

مردم گله دارند اما پای انقلاب ایستاده‌اند

مردم از برخی از مسائل جاری کشور، انتقاد هم دارند، نه اینکه انتقاد ندارند؛ ما کاملاً در جریان انتقادهای مردم، گله‌های مردم، شِکوه‌های مردم هستیم؛ به ما هم می‌گویند؛ به دیگران هم می‌گویند، به ما منتقل می‌شود؛ امّا وقتی پای انقلاب و پای نظام در میان است، مردم این‌جور وارد میدان می‌شوند و حرکت می‌کنند. یک آگاهی انقلابی، یک کمال سیاسی، در ملّت ایران به توفیق الهی به وجود آمده است که می‌توانند تفکیک کنند بین نظام انقلابی «امّت و امامت» و بین تشکیلات دیوان‌سالاری؛ [با اینکه] در یک جا انتقاد دارند، امّا از اصل نظامی که به وسیله‌ی انقلاب به وجود آمده است، با همه‌ی وجود دفاع کنند. اینکه می‌گوییم انتقاد داشته باشند، نه فقط انتقاد از دولت یا قوّه‌ی قضائیّه یا مجلس؛ نه، ممکن است کسی از شخص این حقیر هم انتقاد داشته باشد. این انتقاد هیچ منافاتی ندارد با ایستادگی پای نظام اسلامی، نظام انقلابی، نظام «امّت و امامت»؛ نظامی که با انقلاب این ملّت و با فداکاری این ملّت به وجود آمده است و صدها هزار شهید در راه این نظام در طول این چهل سال به قربانگاه رفته‌اند. ● ۹۶/۱۱/۲۹

خانواده ایرانی

بگذارید ازدواج‌ها مثل ازدواج فاطمه‌ی زهرا(س) باشد

زن مسلمان، شخصیت خودش را پیدا کرده است. مواظب باشید این شخصیت را گم نکند... پدران و مادران... بگذارند ازدواج اسلامی انجام بگیرد. بگذارند ازدواج برای دختر مسلمان و زن جوانی که در محیط اسلامی است، مثل ازدواج فاطمه‌ی زهرا(س) باشد؛ ازدواجی با پیوند عشقی معنوی و الهی و جوششی بی‌نظیر میان زن و مرد مؤمن و مسلمان و همکاری و همسری به معنای واقعی بین دو عنصر الهی و شریف، اما بیگانه از همه‌ی تشریفات و زر و زیورهای پوچ و بی‌محتوای ظاهری. این است ازدواج درست زن مسلمان و تربیت فرزند و اداره‌ی محیط خانه و البته اندیشیدن و پرداختن به همه چیز جامعه و دین و دانش و فعالیت اجتماعی و سیاسی. اسلام، این است. ● ۶۸/۱۰/۲۶

حزب‌الله این است

امروز کشور به چنین جوان‌هایی نیاز دارد

امروز کشور به جوان‌هایی نیاز دارد که بتوانند بازوان پُرقدرتی باشند برای پیشرفت کشور، سرشار از انگیزه‌ی ایمانی، بصیرت دینی، همّت بلند، جرئت اقدام، اعتمادبه‌نفس، اعتقاد به اینکه «ما می‌توانیم»، امید به آینده، افق‌های آینده را روشن و درخشان دیدن، روح استغناء -نه به معنای اعراض از فراگیری از بیگانگان، که این را ما هرگز توصیه نکرده‌ایم و نمی‌کنیم؛ حاضریم شاگردی کنیم پیش دیگران که از ما بیشتر بلدند- روحیّه‌ی استغناء از تأثیرگذاری، تحمیل و سوءاستفاده‌ی از انتقال دانش که امروز در دنیای دانشمند که دنیای قدرت استکباری است این معنا رایج است -این روحیّه‌ی استغناء باید در جوان وجود داشته باشد- روحیّه‌ی فهم درست از موقعیّت کشور که ما در کجا هستیم و کجا می‌خواهیم برسیم و چگونه می‌توانیم این راه را طی کنیم. ● ۹۴/۴/۱۳

خط حزب‌الله ۱۶۹
هفته‌نامه خبری-تبیینی نمازهای جمعه، مساجد و هیئت‌های مذهبی | سال چهارم، شماره ۱۶۹ | هفته دوم بهمن ۹۷
KHAMENEI.IR

برش دیدار

در دیدار امروز صبح، رهبر انقلاب بیان فرمودند:

هیچ‌گاه به برنامه‌ها و توصیه‌های غربی‌ها اعتماد نکنید

۲

دوگانه «تکلیف» و «نتیجه»

رهبر انقلاب: «امام فرمودند ما دنبال تکلیف هستیم. آیا این معنایش این است که امام دنبال نتیجه نبود؟» خط حزب‌الله بررسی می‌کند.

۲

آمریکا چگونه به محمدرضا پهلوی پشت پا زد؟

سرنوشت محتوم دل سپردن به آمریکا

"ضعف مفرط" و "وابستگی" رژیم پهلوی به غرب آنچنان زیاد بود که ایران در زمان جنگ جهانی دوم، عملا تبدیل به مستعمره‌ی کشورهای غربی شده بود. متفقین گرچه قول داده بودند به ایران آسیبی وارد نکنند، اما مانند همه‌ی قول‌هایشان، این هم چیزی جز فریب و دروغ نبود. کشورهای آمریکا، انگلستان و شوروی هر ماه چیزی نزدیک به ۴۰۰ میلیون ریال در ایران هزینه می‌کردند. در مقابل اما دولت پهلوی، هیچگونه برنامه‌ای برای حل مشکلات مردم نداشت به‌طوری که شاخص هزینه‌ی زندگی بین سال‌های ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۳ نزدیک به ۷۰۰ درصد افزایش یافت.

در همین حال، تورم بیش از حد به‌دلیل مصرف زیاد و همینطور احتکار کالاها توسط نیروهای اشغالگر، موجب کمبود کالاهای اساسی و ضروری مردم شد. مثلا در پاییز ۱۳۲۱ "بحران نبود نان" در ایران به‌وجود آمد تا جایی که در آذرماه، دانش‌آموزان تهرانی مدارس خود را تعطیل و به سمت بهارستان به نشانه‌ی اعتراض حرکت کردند. در میانه‌ی راه، مردم هم به آنها پیوستند و شعار می‌دادند "یا مرگ یا نان". حکومت پهلوی اما به جای حل مشکل مردم، ارتش را وارد معرکه کرد و به سوی مردم تیراندازی کردند به‌طوری که ده‌ها نفر کشته و زخمی شدند.

● نیاز آمریکا به تسلط بر ایران

در این میان، محمدرضا پهلوی سعی کرد تا با نزدیک شدن به آمریکا، و اخذ کمک‌های متعدد مالی و انسانی، بر بحران‌ها فائق آید. از آن طرف آمریکا نیز به شدت نیازمند تسلط بر ایران بود. چراکه سرزمین ایران از منظر استراتژیک، در منطقه‌ی "هارتلند" (قلب زمین) واقع شده است، یعنی جایی که شاهراه و نبض انرژی جهان محسوب می‌شود. علاوه بر این، مساحت بزرگ سرزمین ایران، جمعیت زیاد، وجود منابع و ذخائر متعدد زمینی (نفت، گاز، سنگ‌های گران‌قیمت و...)، همجواری با خلیج فارس و دریای عمان در جنوب و دریای خزر در شمال، وجود همسایگان متعدد در پیرامون سرزمین و ده‌ها مؤلفه‌ی دیگر، از جمله موضوعاتی است که اهمیت سوق‌الجیشی ایران را افزایش داده است. در کنار این موضوعات، ایالات متحده که بعد از جنگ جهانی دوم، عملا وارد فضای "جنگ سرد" با اتحاد جماهیر شوروی شده بود، برای جلوگیری از نفوذ این کشور در ایران و به تبع آن منطقه، نیازمند استیلا بر امورات ایران بود. از همین روی، ایران به یکی از بزرگ‌ترین دریافت‌کنندگان تجهیزات نظامی آمریکا تبدیل شد و انبوهی از تجار و کارخانجات آمریکایی در ایران مستقر شد. در یکی از اسناد کشف‌شده از لانه‌ی جاسوسی آمریکا در این‌باره چنین آمده است: "در خلیج فارس، ما می‌خواهیم در عین حالی که از دسترسی خود به منطقه و نفت آن حفاظت می‌کنیم، نفوذ شوروی و کشورهای افراطی عرب را هم مهار کنیم. به همین دلیل، ما همکاری منطقه‌ای برای امنیت را به سرکردگی ایران و عربستان سعودی ترغیب می‌کنیم و تجهیزات و خدمات دفاعی را به مقادیر زیاد به کشورهای دوست می‌فروشیم."

● آمریکا اقتصاد و کشاورزی ایران را فلج کرد

فروش تجهیزات نظامی به شاه به بهانه‌ی واهی مقابله با کمونیسم اما همه‌ی ماجرا نبود. مقامات آمریکایی که به دنبال وابستگی هرچه بیشتر ایران به خود بودند، در زمینه‌ی دادوستدهای غیرنظامی نیز شاه ساده‌لوح را به شدت چاپیدند به‌طوری که "ریچارد هلمز" سفیر آمریکا در زمان نیکسون در ایران

۲

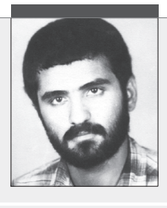

خون شهید ضایع نخواهد شد | این شماره تقدیم می‌شود به روح مطهر شهید مجید بقایی*

خاصیت طبیعی شهادت، ایجاد برکت و تداوم و گشایش در حرکت به سمت تعالی و کمال است. اینکه خداوند متعال در قرآن شهید را زنده معرفی می‌کند و در عرف اسلامی و اصطلاح متشرعه به کشته‌ی راه خدا -شهید یعنی شاهد، ناظر و حاضر- این به این معناست که خون شهید ضایع نخواهد شد؛ شخصیت شهید که تبلور همان آرمان‌های او و آرزوهای اوست، از میان مردم رخت بر نخواهد بست؛ این خاصیت شهادت است. ● ۸۹/۴/۷

*. شهید مجید بقایی، همرزم شهید حسن باقری بود که در حین عملیات شناسایی، بر اثر اصابت خمپاره، همراه با شهید حسن باقری به درجه‌ی رفیع شهادت نائل آمدند.

تاریخ شهادت: ۶۱/۱۱/۹ | شهادت: ترکش خمپاره هنگام شناسایی قبل از عملیات | مزار: گلزار شهدای بهبهان

برش ۹۹ دیدار

در دیدار امروز صبح، رهبر انقلاب بیان فرمودند:

هیچ‌گاه به برنامه‌ها و توصیه‌های غربی‌ها اعتماد نکنید

رهبر انقلاب صبح امروز (چهارشنبه) در دیدار مسئولان و محققان ستاد توسعه‌ی علوم و فناوری‌های شناختی، بر لزوم تلاش همه‌جانبه و شبانه‌روزی برای پیشرفت بیش از پیش در این علوم تأکید کردند و دو توصیه به حاضران در این جلسه داشتند: توصیه‌ی اول اینکه برای پیشرفت علمی از همه‌ی توانایی‌های غربی‌ها استفاده کنید و از شاگردی کردن و یاد گرفتن هرگز پرهیز نکنید، زیرا ما از شاگردی کردن ننگمان نمی‌آید بلکه از «همیشه شاگرد ماندن» ننگمان می‌آید.

رهبر انقلاب در توصیه‌ی دوم خود نیز فرمودند: هیچ‌گاه به برنامه‌ها و توصیه‌های غربی‌ها اعتماد نکنید. ایشان با تأکید بر اینکه همواره باید به توصیه‌ی غربی‌ها با سوءظن نگریسته شود، افزودند: کشورهای غربی که امروز بیشترین پیشرفت‌ها را در زمینه‌ی علوم جدید دارند، بیشترین جنایات را نیز در طول تاریخ بر ضد ملت‌ها مرتکب شده‌اند. در همه‌ی عرصه‌های علوم شناختی، ابتدا باید هدف‌گذاری‌ها مشخص و سپس طرح و پروژه، تعریف شود و در اختیار پژوهشگر و محقق قرار گیرد. در مسیر شناخت این علوم که با استدلال و منطق سروکار دارد، به‌گونه‌ای حرکت کنید که زمینه‌ی معرفت بیشتر خداوند حاصل شود.● ۹۷/۱۱/۳

پرسش پاسخ

آیا می‌توان به اروپایی‌ها اعتماد کرد؟

یک تجربه‌ی دیگر که این هم تجربه‌ی مهمّی است، تجربه‌ی همراهیِ اروپا با آمریکا در مهم‌ترین مواردا ست. ما بنای دعوا کردن با اروپایی‌ها را نداریم؛ با این سه کشور اروپایی بنای معارضه و مخالفت و بگومگو نداریم، امّا واقعیّت‌ها را باید بدانیم. این سه کشور نشان داده‌اند که در حسّاس‌ترین موارد با آمریکا همراهی می‌کنند و دنبال آمریکا حرکت می‌کنند. حرکت زشت وزیر خارجه‌ی فرانسه در جریان مذاکرات را همه یادشان هست؛ در بازی «پلیس بد و پلیس خوب» میگفتند او نقش «پلیس بد» را ایفا می‌کند؛ البتّه قطعاً با هماهنگی آمریکایی‌ها بود؛ یا برخورد انگلیس‌ها در قبال حقّ خرید کیک زرد که مسلّم شده بود و قطعی شده بود و در برجام پیش‌بینی شده بود که ما از یک مرکزی و محلّی کیک زرد تهیّه کنیم و بخریم و بیاوریم، [امّا] انگلیس‌ها جلویش را گرفتند؛ یعنی اینها با آمریکا همکاری می‌کنند، همراهی می‌کنند؛ تاکنون این جور بوده. این هم یک تجربه است؛ این را فراموش نکنیم. اینها در مقام حرف یک چیزهایی می‌گویند امّا در مقام عمل، تا الان ما ندیده‌ایم -یعنی به نظر من تا الان ما این را مشاهده نکرده‌ایم؛ بنده یادم نمی‌آید- که اینها به‌معنای واقعی کلمه ایستاده باشند و در مقابل آمریکا از حق دفاع کرده باشند.● ۹۷/۳/۲

روش تحلیل سیاسی

اگر ملتی قدرت تحلیل نداشته باشد شکست می‌خورد

من از سابق مکرر گفته‌ام که اگر ملتی قدرت تحلیل خودش را از دست بدهد، فریب و شکست خواهد خورد. اصحاب امام حسن(علیه‌السلام)، قدرت تحلیل نداشتند؛ نمی‌توانستند بفهمند که قضیه چیست و چه دارد می‌گذرد. اصحاب امیرالمؤمنین(علیه‌السلام)، آنهایی که دل او را خون کردند، همه مغرض نبودند؛ اما خیلی از آنها - مثل خوارج - قدرت تحلیل نداشتند. قدرت تحلیل خوارج ضعیف بود. یک آدم ناباب، یک آدم بدجنس، یک آدم زبان‌دار پیدا می‌شد و مردم را به یک طرف می‌کشاند؛ شاخص را گم می‌کردند. در جاده، همیشه باید شاخص مورد نظر باشد. اگر شاخص را گم کردید، زود اشتباه می‌کنید● ۷۰/۱/۲۶

نشریه خبری - تبیینی نمازهای جمعه، مساجد و هیئت‌های مذهبی

دوگانه «تکلیف» و «نتیجه»

در کارها و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، آیا صرفا باید دنبال عمل به تکلیف بود یا کسب نتیجه هم مهم است؟ در دوگانه‌ی «تکلیف‌گرایی» یا «نتیجه‌گرایی»؛ اصل بر کدام است؟ آیا این جمله‌ی امام خمینی(ره) که «ما مأمور به تکلیف و وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه» به معنای بی‌رغبتی ایشان به پیروزی و کسب نتیجه بود؟ آیا امام خمینی(ره) صرفا به دنبال انجام وظیفه بود و برای ایشان، نتیجه‌ی مبارزه و انقلاب مهم نبود؟ آیا اساسا تکلیف‌گرایی منافی برنامه‌ریزی و محاسبه‌ی چگونگی راه رسیدن به نتیجه است؟ اینها سؤالات مهمی است که شاید برای بسیاری از خوانندگان نشریه نیز محل ابهام باشد. به‌همین علت، **خط حزب‌الله** در اطلاع‌نگاشت زیر با توجه به منظومه‌ی فکری رهبر انقلاب، در حد بضاعت خود به این سؤالات پاسخ داده است.

۱ امام به تکلیفش عمل کرد خدا هم نتیجه را به او داد

امام از روز اول فرمود: «ما مأمور به تکلیفیم، نه به نتیجه»؛ این، عین اخلاص است؛ محض اخلاص است؛ فقط برای خداست که ذره‌ای قدرت‌طلبی و جلب حطام مادی در این چنین دلی وجود ندارد. امام به تکلیف خود که مأموریت او بود عمل کرد، خدا هم نتیجه را به او داد: دنیا از صدای امام پُر شد. ۸۴/۱۰/۱۹

۲ خدا بر اساس عمل به تکلیف، بهترین نتیجه را خواهد داد

امام به وعده‌ی الهی اطمینان داشت. ما برای خدا مجاهدت می‌کنیم، قدم برای خدا برمی‌داریم، همه‌ی تلاش خودمان را به میدان می‌آوریم؛ نتیجه را خدای متعال -آنچنان که وعده فرموده است- تحقق خواهد داد. ما برای تکلیف کار می‌کنیم؛ اما خدای متعال بر همین عمل برای تکلیف، بهترین نتیجه را به ما خواهد داد. این یکی از خصوصیات مشی امام و خط امام است. ۸۹/۳/۱۴

۳ خط اساسی که باید انجام بدهیم

ما برای نتایج کار نمی‌کنیم؛ اما حقیقت این است که این‌گونه نیست که اگر ما با تلاش خود و طبق وظیفه و حجت، به این مقاصد نرسیم، احساس شکست بکنیم... اگر خدای متعال به آن حرکت برکت داد و نتایج را بر این اقدام مترتب کرد، خوشحال و مسرور خواهیم بود و تحقق وعده‌های الهی برای همه‌ی کسانی که به آن وعده‌ها اعتقاد دارند، لذتبخش و شیرین خواهد بود. اگر هم خدای متعال مقدّر نفرمود که آن نتایج بر این مقدمات مترتب بشود، ما خوشحالیم که تکلیفمان را انجام داده‌ایم و کار خود را کرده‌ایم. این، آن روش و خط اساسی است که انجام می‌دهیم. ۶۸/۵/۱۵

۴ امام می‌گفتند: از اول به فکر انجام تکلیف بودیم

چندین بار از امام عزیزمان (اعلی اللهِ کلمته) پرسیده بودم که شما از چه زمانی به فکر ایجاد حکومت اسلامی افتادید، و آیا قبل از آن چنین تصمیمی داشتید؟ (این پرسش به خاطر آن بود که در سال ۱۳۴۷، درس‌های «ولایت فقیه» ایشان در نجف شروع شده بود و ۴۸ نوار از آن درس‌ها نیز به ایران آمده بود). ایشان گفتند: درست یادم نیست که از چه تاریخی مسأله‌ی حکومت برایمان مطرح شد؛ اما از اول به فکر بودیم ببینیم چه چیزی تکلیف ماست، به همان عمل کنیم؛ و آنچه که پیش آمد، به خواست خداوند متعال بود. ۶۸/۴/۲۰

۵ منتظر انجام وظیفه باشید؛ این ما را پیروز خواهد کرد

همه باید آماده باشید. در هرجایی که هستید، باید آماده‌ی خدمتگزاری باشید؛ «و منهم من ینتظر». «ینتظر» یعنی چه؟ یعنی منتظر مردنند؟ نه، یعنی منتظر انجام وظیفه‌اند؛ کجا وظیفه آنها را صدا خواهد زد، تا آن‌جا حاضر باشند. ما باید منتظر انجام وظیفه باشیم. هرچه که تکلیف الهی ما ایجاب کرد، بخواهیم آن را انجام بدهیم. این، ما را پیروز خواهد کرد و به موفقیت بزرگ خواهد رساند. ۷۰/۶/۲۷

۶ پیروزی در همه هدف‌ها آرزوی امام بود

حرکت امام برای سعادت کشور و ملت، بر مبنای هدایت شریعت اسلامی بود؛ لذا «تکلیف الهی» برای امام کلید سعادت به حساب می‌آمد و او را به هدف‌های بزرگِ آرمانی خود می‌رساند. اینکه از قول امام معروف است و همه می‌دانیم که گفته بودند «ما برای تکلیف عمل می کنیم، نه برای پیروزی»، به معنای بی‌رغبتی ایشان به پیروزی نبود. بدون تردید پیروزی در همه‌ی هدف‌های بزرگ، آرزوی امام بود. پیروزی جزو نعمت‌های خداست و امام به پیروزی علاقه‌مند بود - نه این که علاقه‌مند نبود یا بی‌رغبت بود - اما آنچه او را به سوی آن هدف‌ها پیش می برد، تکلیف و عمل به وظیفه‌ی الهی بود؛ برای خدا حرکت کردن بود. ۸۳/۳/۱۴

۷ مگر می‌شود گفت که ما دنبال نتیجه نیستیم؟!

یک سؤال دیگر این است که رابطه‌ی «تکلیف‌مداری» با «دنبال نتیجه بودن» چیست؟ امام فرمودند: ما دنبال تکلیف هستیم. آیا این معنایش این است که امام دنبال نتیجه نبود؟ حتماً تکلیف‌گرائی معنایش این است که انسان در راه رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب، بر طبق تکلیف عمل کند؛ برخلاف تکلیف عمل نکند، ضدتکلیف عمل نکند، کار نامشروع انجام ندهد؛ والّا تلاشی که پیغمبران کردند، اولیای دین کردند، همه برای رسیدن به نتائج معینی بود؛ دنبال نتائج بودند. مگر می‌شود گفت که ما دنبال نتیجه نیستیم؟ یعنی نتیجه هر چه شد، شد؟ نه. البته آن کسی که برای رسیدن به نتیجه، بر طبق تکلیف عمل می‌کند، اگر یک وقتی هم به نتیجه‌ی مطلوب خود نرسید، احساس پشیمانی نمی‌کند؛ خاطرش جمع است که تکلیفش را انجام داده. ۹۲/۵/۶

۸ تکلیف‌گرایی با دنبال نتیجه بودن منافاتی ندارد

در دفاع مقدس هم همین جور بود؛ ورود در این میدان، با احساس تکلیف بود؛ آن کسانی که وارد می‌شدند، اغلب احساس تکلیف می‌کردند. اما آیا این احساس تکلیف، معنایش این بود که به نتیجه نیندیشند؟ راه رسیدن به نتیجه را محاسبه نکنند؟ اتاق جنگ نداشته باشند؟ برنامه‌ریزی و تاکتیک و اتاق فرمان و لشکر و تشکیلات نظامی نداشته باشند؟ اینجور نیست. ۹۲/۵/۶

سخن هفته

درباره‌ی مناسبات اقتصادی با ایران چنین می‌گوید: "مهم‌ترین تحولات در روابط ایران با آمریکا، افزایش صادرات غیرنظامی آمریکا به ایران است. این صادرات در چند سال گذشته از حدود چهارصد میلیون دلار در سال ۱۹۷۲ به بیش از دو میلیارد دلار در سال ۱۹۷۵ رسیده است و پیش‌بینی می‌شود که در پنج سال آینده، میزان تجارت دو جانبه به چهل میلیارد دلار برسد." "ویلیام سولیوان"، دیگر سفیر آمریکا در ایران نیز درباره‌ی چگونگی سوءاستفاده‌های ناعادلانه‌ی شرکت‌ها و مؤسسات آمریکایی در ایران می‌گوید: "بسیاری از شرکت‌ها و مؤسسات آمریکایی که در ایران مشغول کار بودند، در رشته‌های غیرنظامی فعالیت می‌کردند... بیشتر این شرکت‌ها بدون اینکه سرمایه‌ای در ایران به کار بیاندازند، قراردادهای خدماتی با دولت و مؤسسات ایرانی داشتند و بعضی از آنها هم به جای سرمایه‌گذاری، سرویس و خدمات خود را بر مبنای شرکت در سود حاصله، قرارداده بودند."

بخشی دیگر از اقتصاد ایران نیز به‌واسطه‌ی اجرای طرح آمریکایی "اصلاحات ارضی"، دستخوش تغییرات و نابسامانی‌های عدیده شد به‌گونه‌ای که اولین نتیجه‌ی اجرای این طرح، وابستگی شدید کشاورزی ایران به آمریکا و سایر کشورها بود. یک سال پس از اجرای این طرح، تولید کشاورزی ایران به نصف کاهش یافت و با اجرای مرحله‌ی دوم آن، ایران ناگزیر به خرید ۶۰ هزار تن گندم از شوروی، ۲۵ هزار تن ذرت و ۱۴ هزار تن گندم از آمریکا شد. مجله‌ی اکونومیست در این‌باره نوشت: "ایران که قبل از انقلاب سفید قسمتی از محصولات کشاورزی خود را صادر می‌کرد، در سال ۱۹۷۷ مبلغ ۶/۲ میلیارد دلار را صرف واردات محصولات کشاورزی کرد." ویلیام شوکراس نویسنده‌ی معروف روزنامه‌ی واشنگتن‌پست نیز چنین نوشت: "در فاصله‌ی ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۶ بیش از ۵۰ هزار روستایی از زمین‌های خود محروم شدند، آن هم به خاطر هیچ!" امام خمینی (ره) در دوم آبان‌ماه ۱۳۵۷ درباره‌ی این طرح آمریکایی سراسر زیان‌آور چنین فرمودند: "با اصلاحات ارضی خواستید کاری بکنید، برای آمریکا هم کردید آن کار را، و مأموریتتان را برای وطنتان هم انجام دادید و مأموریتی که آمریکا به شما داده بود، انجام دادید و یک مملکتی را محتاج کردید در همه‌چیز به آمریکا و خارج."

مجموعه‌ی همین اقدامات بود که پایه‌های لرزان حکومت استبدادی پهلوی را سست‌تر و لرزان‌تر کرد، به‌طوری که کارتر، همان رئیس‌جمهوری که ایرانِ زمانِ محمدرضا را "جزیره‌ی ثبات" نامیده بود، وقتی صدای انقلاب میلیونی مردم ایران را شنید، با نادیده گرفتن همه‌ی دم‌تکان‌دادن‌های محمدرضا برای او و اذنابش، صراحتا اعلام کرد: "شاه باید برود و در دنیای جدید دیگر جایی برای سلطنت نیست." این، سرنوشت محتوم همه‌ی سرسپردگان به شیطان بزرگ است. ●